Journal of Studies in Applied Language (JSAL),
Vol. 7, No. 3, Summer 2024, pp. 101–123. ISSN: 2980-9304

© Bonyan Pouya Pajooh Andisheh Institute (BPPAI), 2024. This is an Open Access article, distributed under the terms of the Creative Commons Attribution licence (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/), which permits unrestricted re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the originalwork is properly cited.

An Examination of Equivalence in Translating "Maf'ul Lahu" Based on Antoine Berman's Theory; A Case Study on Naser Makarem Shirazi's Translation of the First 100 Sermons from Nahj al-Balagha [In Persian]

Seyyed Mohammad Razi Mostafavinia [1], Liqaa Jenabi [2], Najme Khorasani [3]

1 Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Qom University, Qom, Iran
2 Level 3 of Qom Seminary (Jameat Al-Zahra) in Tafsir, Qom, Iran
3 Master's degree in Tafsir Asari (Narrative Interpretation), Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran

***Corresponding author:** dr.mostafavi@pooyesh.ac.ir

Received: 29 Dec, 2023 *Revised: 28 Jun, 2024* *Accepted: 22 Aug, 2024*

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

ABSTRACT

Numerous theories addressing translation challenges have been proposed, each providing a distinct framework for mitigating translation issues. One notable theory is that of Antoine Berman, who focuses on a text-centered approach and introduces the notion of "disruptive tendencies." He underscores the significance of adhering closely to the source text and advocates for translators to maintain fidelity to both its form and content. Berman is particularly critical of prevalent practices such as domestication and denigration of foreignization within translation processes. A specific challenge faced when translating from Arabic to Persian involves rendering "maf'ul lahu" and its various forms; translators must ensure precise equivalence while considering the speaker's intent. The term "maf'ul lahu" inherently implies causality—a concept that Persian translators frequently find difficult to convey accurately. Explicitly indicating causality may disrupt the fluidity and elegance of the target text, while omitting it can result in an inaccurate representation. This study seeks to conduct a descriptive and analytical critique regarding how "maf'ul lahu" is translated in Naser Makarem Shirazi's rendition of the first 100 sermons from Nahj al-Balagha, with a focus on Berman's theoretical framework. From among Berman's twelve components related to disruptive tendencies, three significant elements—rationalization, expansion, and clarification—are selected for detailed analysis concerning sermons featuring "maf'ul lahu," thus assessing how faithfully the translator adheres to the original text. Although Makarem Shirazi's overall approach can be characterized as source-oriented, he often fails to translate "maf'ul lahu" accurately in numerous instances. Furthermore, contextual analysis indicates that he does

not consistently achieve appropriate equivalences aligned with Berman's source-oriented perspective. His application of clarification and expansion techniques has led to distortions in several cases; additionally, he has modified structural elements as a form of rationalization. While some alterations may be necessary for achieving greater fluency in translations, they are nonetheless viewed as distorting factors according to Berman's theoretical framework.

Keywords: Nahj al-Balagha, Naser Makarem Shirazi's Translation, Antoine Berman, Translation of Maf'ul Lahu.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

مجله زبان‌کاوی کاربردی (JSAL)
ISSN: 2980-9304
دوره هفتم، شماره ۳ (پیاپی ۱۷)، تابستان ۱۴۰۳، صص ۱۰۱-۱۲۳

بررسی معادل یابی ترجمه مفعول له بر اساس نظریه آنتوان برمن؛ مطالعه موردی ترجمه ۱۰۰ خطبه اول نهج البلاغه از ترجمه ناصر مکارم

سید محمد رضی مصطفوی نیا [۱*]، لقاء جنابی [۲]، نجمه خراسانی [۳]

۱. دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران
۲. سطح سه رشته تفسیر، جامعه الزهرا، قم، ایران
۳. کارشناسی ارشد تفسیر اثری، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران
*نویسنده مسئول مقاله Email: dr.mostafavi@pooyesh.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

چکیده

نظریات مختلفی در باب ترجمه وجود دارد که هر یک به منظور رفع آسیب های ترجمه، ساختاری را ارائه می‌دهند. یکی از آن نظریات نظریه متن محور انتوان برمن است. او از نظریه پردازان مبدا گرایی است که نظریه «گرایش های ریخت شکنانه» را پی ریزی کرده است. وی درجایگاه مترجم و نظریه پرداز توجه ویژه‌ای به متن مبدا دارد و معتقد است مترجم باید ازجهت شکل و محتوا، مقید و وفاداربه متن مبدأ باشد. او از جمله نظریه پردازان مبدا گرایی است که با گرایش متداول بومی‌سازی و تقبیح بیگانه سازی در فرایند ترجمه به شدت مخالفت کرده است. یکی از چالشهای ترجمه عربی به فارسی، ترجمه مفعول له و انواع آن می‌باشد. چراکه مترجم باید دقیقترین معادل یابی را با در نظر گرفتن غرض گوینده، داشته باشد. مفعول له، معنای علیت را درخود نهفته دارد که معمولا مترجمان فارسی زبان نسبت به ترجمه دقیق آن دچار مشکل می‌شوند چرا که از سویی تصریح به معنای علیت در زبان مقصد ممکن است متن را از روانی و شیوایی خارج کند و از سوی دیگر عدم تصریح به آن نیز، به معنای عدم ترجمه صحیح مفعول له، تلقی می‌گردد. پژوهش حاضر درصدد است به روش توصیفی_تحلیلی ترجمه مفعول له در ۱۰۰ خطبه اول نهج البلاغه را بر اساس ترجمه مکارم شیرازی را با تاکید بر نظریه آنتوان برمن، مورد نقد و تحلیل قرار دهد. در این جستار از میان دوازده مولفه ی نظریه ی گرایش های ریخت شکنانه، سه مولفه ی عقلایی سازی، اطناب سازی و شفاف سازی که از مهمترین مولفه ها هستند انتخاب شده و بر ترجمه ی خطبه های دارای مفعول له، تطبیق داده شده است؛ تا بدین وسیله میزان وفاداری مترجم نسبت به متن اصلی تعیین گردد. ترجمه مکارم شیرازی را می‌توان درمجموع ترجمه‌ای مبدا گرا دانست اما دربین خطبه هایی که ترجمه آن بررسی شد، ایشان در بسیاری موارد مفعول له را به صورت

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

دقیق ترجمه نکرده است، ضمن این که با بررسی بافت متن نیز مشخص می‌گردد ایشان با توجه به نظریه برمن که نظریه‌ای مبدا گراست، در موارد متعددی معادل یابی مناسبی نداشته است و در زمینه شفاف سازی و اطناب کلام نیز، بر اساس نظریه «برمن» سبب تحریف متن گشته است و در مواردی نیزبا تغییر ساختار متن مبدا دست به عقلایی سازی زده است که البته برخی از این موارد برای روانتر شدن ترجمه ضروری است اما بر اساس نظریه «برمن» از عوامل تحریف متن، به شمار می‌آید.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، ترجمه مکارم شیرازی، آنتوان برمن، ترجمه مفعول له.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

مقدمه

نهج البلاغه برگزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امام علی(ع) است که توسط سید رضی در اواخر قرن چهارم هجری قمری جمع آوری شد. این کتاب به دلیل محتوا و بلاغتش، به «اخ القرآن» (برادر قرآن) نام‌گذاری شده است. و به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران کتاب نهج البلاغه ازنظر شیوایی و بلاغت بعد از قران کریم در رتبه دوم قرار دارد(ابن ابی الحدید. ۱۹۶۵: ۲۴)

نهج البلاغه درلغت به معنای راه رسا و بلیغ سخن گفتن است. سید رضی کوشیده است از میان احادیث منقول از امام علی علیه السلام، بلیغترین و زیباترین آنها را گزینش و در این مجموعه گرد آورد. همین ویژگی راز ماندگاری و جاودانگی این کتاب در حوادث سهمگین و تلخ گذشته تاریخ و موجب شهرت آن در میان گروههای مختلف مسلمانان و شخصیت های برجسته غیرمسلمان ازجمله جرج جرداق مسیحی گشته است.

با توجه به اهمیت این کتاب تا کنون ترجمه و شرح های بسیاری بر ان نوشته شده است. برخی از پژوهشگران بیش از ۳۷۰ اثر را در شرح و تفسیر و ترجمه و. . . نهج البلاغه بر شمرده اند وتاکنون چندین ترجمه از نهج البلاغه به چاپ رسیده است و از جمله ی آنها ترجمه مکارم شیرازی بر این کتاب ارزشمند است. مکارم شیرازی از مراجع تقلید شیعیان و یکی از اساتید بزرگ درس خارج فقه و اصول در قم است. ایشان آثار ارزشمند بسیاری در زمینه قرآن و نهج البلاغه در کارنامه ی خود دارد و از جمله آنها می‌توان به تفسیر نمونه، ترجمه قرآن، پیام قرآن و پیام امام امیرالمومنین (ع) اشاره نمود. ایشان در آثار خود سعی دارد اسلام ناب و خالص و به دور از هر گونه تحریف را معرفی نماید.

پر واضح است که ترجمه صرف نظرازنوع متن، کاری بسیارسخت و دشوار است. حال اگر ترجمه کتابی مانند نهج البلاغه مدنظرباشد دشواری کار و مسوولیت مترجم دوچندان خواهد

شد. با توجه به اهمیت این مساله، نقد و بررسی ترجمه ی چنین کتابی نیزبرما روشن می‌شود. درحقیقت نقد و بررسی متن ترجمه شده این فرصت را برای خود مترجم و یا دیگران مهیا می‌کند که ترجمه مورد نظررا بازبینی کرده و در چاپهای بعدی اصلاح کند تا ترجمه‌ای بهتر و کم خطاتر به خوانندگان ارایه کند.

یکی از روشهای بررسی و نقد متن ترجمه شده رویکرد متن محوراست، دراین روش بخشی از متن مبدآ با ترجمه ی ان درمتن مقصد مقابله می‌شود هدف ازاین مقابله تحلیل قسمت هایی از دو متن مبدا ومقصداست که از لحاظ زبان شناسی یا لغت شناسی تعریف شده اند (فرحزاد، ۱۳۸۲: ۳۲) هدف ازاین روش صرفا بیان نقاط ضعف ترجمه نیست، دراین روش تحلیل گر به موازات خرده گیری نسبت به ترجمه مورد نظر، نقاط قوت آن را نیزمورد توجه قرارخواهد داد. بنابراین خواننده علاوه بر اینکه ازاشکالات ترجمه آگاه می‌شود، با راهکارها وپیشنهادات مترجم نیزآشنا می‌شود و می‌تواند ازآنها بهره ببرد.

ازموضوعات قابل تحلیل درنقد متن محور، موضوع معادل گزینی است، که به معنای انتخاب مناسبترین معادل دردو سطح واژگانی و بافت متنی درزبان مقصد است.

ما در این مقال با بررسی صد خطبه نخست نهج البلاغه برانیم که به پاسخ این سوال بپردازیم که مکارم شیرازی تا چه اندازه در ترجمه ی انواع مفعول له با توجه به نظریه مبدا محور آنتوان برمن، در مبحث معادل گزینی موفق عمل نموده است؟

بررسی نظریات معادل یابی در ترجمه

اصل معادل یابی در حقیقت جیزی است که بخش اعظم از فرایند ترجمه در آن خلاصه می‌شود. مترجم از ابتدا تا انتهای ترجمه سرگرم آنست که معادل های مناسب و صحیح از زبان مقصد برای واژه ها، مفاهیم وجمله های متن مبدأ بیابد. (طهماسبی و جعفری، ۱۳۹۳: ۳۸)

نظریه پردازان در رابطه با معادل یابی در ترجمه نظریات مختلفی ارایه کرده اند، این نظریات به سه دسته أساسی تقسیم می‌شود: ابتدا نظریه پردازانی که نسبت به ترجمه نگرشی زبان شناسانه دارند و ترجمه را صرفا در زمره موضوعات زبانشناسی می‌دانند.

گروه دوم معتقدند وقتی پیامی‌از زبان مبدا به زبان مقصد ترجمه می‌شود مترجم با دو فرهنگ مختلف به طورهمزمان مواجه است. بنابراین معادل یابی را درترجمه به عنوان ضرورتی درانتقال پیام ازفرهنگ مبدا به فرهنگ مقصد دانسته و دارای نگرشی کاربردی-معنایی می‌باشند و گروه سوم حد وسط این دو نظریه را برگزیده اند مانند بیکرکه ادعا می‌کند: با وجود اینکه

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

معادل یابی امری نظری بشمارمی‌رود اما مترجمان آن را نوعی سهولت کار درترجمه به حساب آورده و به آن خو گرفته اند.

انواع متون: براساس دیدکاه رایس و بوهلر

متن محتوا محور یا اطلاعاتی

در این نوع متون، محتوا نسبت به چگونگی بیان پیامها (فرم زبانی) از اهمیت بیشتری برخوردار است. گزارش های علمی از این دسته‌اند که هدفشان انتقال پیام و دادن اطلاعات است اصل معادل یابی در حقیقت چیزی است که بخش اعظم از فرایند ترجمه در آن خلاصه می‌شود. مترجم از ابتدا تا انتهای ترجمه سرگرم یافتن معادل های مناسب و صحیح از زبان مقصد برای واژه ها، مفاهیم و جمله های متن مبدا است. نظر به اهمیت این به خواننده است. (نصری و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۵۳).

ترجمه متن محور

اساسی‌ترین اصل، بلکه تنها اصل در ترجمه، مطابقت کامل آن با متن مبدأ در بار معنایی و مفهومی‌است. اگر ترجمه مطابق متن باشد، ترجمه‌ای کامل به حساب می‌آید؛ بنابراین، در ترجمهٔ یک اثر، نخست باید ویژگی‌های بافت، موقعیت، لفظ و معنای آن اثر دریافت شود و ترجمهٔ آن به گونه‌ای پرداخته شود که آن ویژگی را همراه داشته باشد. «پس ویژگی‌های متن، اصول ترجمه آن را شکل می‌دهد. این اصول درحقیقت، شاخه‌های همان اصل اساسی یعنی مطابقت ترجمه با متن است» (صفوی، ۱۳۹۱: ۲۰).

مترجمان محتوا محور توجه شان را بیشتر به اصطلاحات تخصصی و ترمینولوژی؛ ساختارهای نحوی و الگوهای انتقال معنا؛ انتخاب معادلات زبانی مناسب معطوف می‌کنند.

با توجه به ظرافتهای متون مقدس برخی از نظریه‌پردازان ترجمه برآنند که ترجمه‌های مقصدگرا از کارایی لازم در ترجمهٔ متون مقدس برخوردار نیستند؛ بنابراین، مترجم چاره‌ای جز این ندارد که به رویکرد مبدأگرا در ترجمهٔ قرآن و نهج البلاغه روی آورد؛ زیرا در این شیوه از ترجمه، اصالت به متن اصلی داده می‌شود و مترجم تلاش می‌کند تا آنجا که امکان آن فراهم باشد، ویژگی‌های زبانی، بدیعی، بلاغی و معنایی متن مبدأ را به متن مقصد انتقال دهد.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

نظریهٔ آنتوان برمن

آنتوان برمن (۱۹۴۲-۱۹۹۱) مترجم، نظریه‌پرداز، فیلسوف و تاریخ‌نگار ترجمه است. او با تأثیر از فلسفهٔ رمانتیک آلمانی‌ها و کسانی چون والتر بنیامین و هانری مشونیک، گونهٔ دیگری از نقد ترجمه را پیش می‌کشد.

محور دیدگاه ترجمه‌شناختی برمن، احترام به متن بیگانه و دیگری است و به این دلیل با ارائهٔ نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» به دیدگاههای قوم‌گرایانه و معطوف به زبان مقصد در کار ترجمه انتقاد می‌کند و می‌سنجد. بیگانه زدایی و فرایند از آن خود ساختن از دیرباز مورد توجه مترجمان بوده است. در دوران نهضت ترجمه در عصر عباسی، آثار پرشماری از پهلوی، یونانی سانسکریتی به عربی برگردانده شد که اغلب ترجمه هایی نابرابر نسبت به متن اصلی بود، ترجمه های هزارویک شب و کلیله و دمنه، نمونه های بارزی از ترجمه های غیروفادارانه است. این رویکرد در دوران معاصر نیز ادامه یافت و عمده این ترجمه ها با ترجمه پسااستعماری رونق گرفت. آنجا که مترجمان کشورهای استعمارشده برای رهایی ازپدیده استعمارفرهنگی دست به ترجمه آثاری با رنگ و بوی بومی و محلی زدند.

دیدگاه برمن علیه چنین رویکردهای غیر وفادارانه‌ای است که متن مبدا را نابود می‌کنند. او از جمله نظریه پردازان مبدا گرایی است که با گرایش متداول بومی‌سازی و تقبیح بیگانه سازی در فرایند ترجمه به شدت مخالفت کرده است (ماندی، ۱۳۸۹: ۱۲۵) به عقیده او متون ترجمه شده درطول فرایند ترجمه به گونه‌ای تغیر شکل می‌یابد که اثری ازبیگانگی درآن یافت نمی‌شود (همان: ۳۲۵) «برمن» معتقد است که عده‌ای گرایش دارند، ریخت و شکل زبان را تغییر دهند. هدف از این کار که به زعم او نوعی نابودی متن اصلی است، تنها خدمت به معنا و صورت زیبا در زبان مقصد و خواننده است. یعنی در ترجمه خود آنچنان غرق بازنویسی و آفرینش مجدد معنا می‌شود که متن اصلی را به کلی به فراموشی می‌سپارد. او این تغییر شکلها را ناشی از عوامل قوم مدارانه‌ای می‌داند که برجهت گیری مترجم تاثیر می‌گذارد و دوازده نوع ازین تمایلات را درتحریف متن اصلی بر می‌شمرد (صمیمی، ۱۳۹۱: ۶۷) این دوازده نوع عبارتند از: منطقی سازی، شفاف سازی، اطناب کلام، آراسته سازی، تضعیف کمی، تضعیف کیفی، همگون سازی، تخریب ضرب آهنگ متن، تخریب شبکه های دلالتی زیرین، تخریب سیستم بندی متن، تخریب شبکه های زبان بومی، تخریب عبارات و خاصه گی های زبان و امحای برهم نهادگی زبان ها.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

البته باید گفت که با توجه به تفاوت های فرهنگی-اجتماعی و گفتمانی، پایبند بودن به نظریه برمن در تمامی‌موارد بسیار دشوار است از این رو نظریه برمن درپاره‌ای از مولفه ها کاربردی و عملی نیست و نمی‌توان برآن جامه عمل پوشاند. (شهرام دلشاد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۶)

این مقاله برآن است به نقد ترجمه مکارم از مفعول له در صد خطبه اول نهج البلاغه، بپردازد و در این مسیر به سه مورد از مولفه های ریخت شکنانه «انتوان برمن» که از بقیه مهم تر و کاربردی تر است تکیه می‌کند، قبل از آغاز نقد و بررسی به تعریف و توضیح این سه مولفه یعنی؛ عقلایی سازی، شفاف سازی و اطناب کلام، می‌پردازد و سپس بررسی خطبه‌ها آغاز می‌شود:

۱-عقلایی سازی:

این شیوه ساختارهای نحوی و علایم سجاوندی را شامل می‌شود، مترجم با توجه به اهداف نویسنده، ساختار جملات یا علایم نقطه گذاری را به دلخواه تغییر می‌دهد. روشن است که درهر زبانی، کلام از قاعده ی منطقی و عقلایی خاصی تبعیت می‌کند، این قانون موجود در زبان مبدا در ترجمه بهم می‌ریزد، بنابراین یکی از عملکردهای مترجم، منطقی سازی کلام از جمله بایسته های اصلی مترجمی است که می‌خواهد متنی عربی را به فارسی برگرداند. زیرا این دو از جهت ساختار نحوی با هم متفاوتند، اما گاهی مترجم به این تغییرات ساختاری اجباری اکتفا نمی‌کند و ساختار را از سر ذوق و بی هیچ مانعی تغییر می‌دهد. «برمن» هر دو نوع این تغییرات را جزو تحریف متن می‌داند.

ذکر این نکته ضروری است که منطقی سازی را تا زمانی که به بافت کلام آسیبی وارد نکرده است نمی‌توان نادرست تلقی نمود. همچنین اگر در ویژگی‌های ترکیبی و نحوی کلام مبدا که جزو سبک نویسنده به شمار می‌آید و پیام متن در گرو این مختصات سبکی منتقل می‌شود.

بنابراین می‌توان عقلایی سازی در ترجمه را به دو دسته کلی تقسیم کرد، در نوع اول مترجم به خاطرعدم متداول بودن ترکیب زبان مبدا دست به تغییراتی می‌زند، مثل اینکه در زبان عربی فعل، در آغاز کلام می‌آید اما مترجم فارسی فعل را موخر کرده و فاعل را در آغاز جمله می‌آورد. از این دست موارد در ترجمه مکارم و بیشتر ترجمه های موجود، دیده می‌شود اما نمی‌توان به مترجم خرده گرفت، چراکه او مقصر نیست بلکه خصوصیات زبان مقصد مترجم را مجبور می‌کند، به چنین تغییراتی دست زند.

نوع دوم مواردی است که مترجم می‌تواند بدون ایجاد تغییری در ساختارنحوی ترجمه‌ای قابل قبول ارایه دهد اما چنین نمی‌کند، این گونه موارد، بی وفایی به متن اصلی و ازعوامل ایجاد

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

شکاف میان متن اصلی و ترجمه به شمارمی‌رود. که ازین دست موارد هم در ترجمه مکارم دیده می‌شود. که دربخش بررسی خطبه ها به آن اشاره خواهد شد.

۲-شفاف سازی:

از نظر آنتوان برمن شفاف سازی کلام یکی از عوامل تحریف متن اصلی است. شفاف سازی بیان کننده مسایلی است که درمتن مبدأ واضح نبوده و یا به تعبیر دیگر پنهان و سربسته بیان شده و نویسنده قصد آشکار کردن آن را نداشته است. از آنجا که نفس ترجمه با توضیح وتفسیر همراه است، شفاف سازی در حوزه کاری مترجمان اغلب از اصول لازم هر ترجمه‌ای محسوب می‌شود.

درحقیقت، شفاف سازی روشنگری درسطح معنایی است، درحالیکه عقلایی سازی روشنگری درسطح ساختارنحوی بود. (مهدی پرور، ۵۹:۱۳۸۹) از این رو مترجم ذاتا به واضح سازی گرایش دارد و تمایل دارد که لایه های پنهانی معنا را بازگشایی کند. اما درباره اینکه شفاف سازی خوب است یا بد، برمن معتقد است «بهتر است خصوصیات پنهان و غرایب متن اصلی حفظ شود. وی با رد هرگونه توضیح اضافه (شفاف سازی) معتقد است که مترجم باید با بازنویسی متن اصلی خلاقیت خود را نشان دهد و نه با توضیح و شفاف سازی عبارات متن اصلی. (کریمیان، ۱۳۹۰: ۱۲۵)

ترجمه ناصر مکارم ترجمه‌ای است که درمجموع در تلاش است که ترجمه‌ای متناسب و همگون با متن اصلی ارایه دهد، اما ازآنجا که ایشان به دنبال این است که معانی نهفته و مبهم، در کلمات گهربار و پرمغز امیرالمومنین (ع) را برای خواننده آشکار کند در بسیاری از موارد دست به شفاف سازی زده و داخل پرانتز توضیحی تکمیلی در جهت فهم بهتر معنا آورده است که این کار، از دیدگاه آنتوان برمن تحریف متن اصلی به شمار می‌آید و نباید انجام پذیرد. در ادامه در بخش بررسی خطبه ها به موارد مختلفی که شفاف سازی در ترجمه ایشان انجام شده اشاره خواهد شد.

۳-اطناب سازی کلام:

همان گونه که اشاره شد هدف از شفاف سازی، ابهام زدایی از معناست، اما اطناب، مفصل کردن کلام است. «غرض مترجم اضافاتی است که چیزی به متن نمی‌افزاید و تنها حجم خام متن را افزایش می‌دهد، بی آنکه به بار معنایی و گفتاری متن بیفزاید. هرترجمه‌ای به این گرایش دارد که از متن اصلی طولانی تر باشد و این نتیجه دو گرایش اول است» (احمدی، ۱۳۹۰: ۷)

مکارم در ترجمه خود مانند بیشتر مترجمان از شیوه اطناب کلام بهره برده است. اما با توجه به سبک ایشان که مبتنی بر همخوانی ترجمه با متن مبدا است، کمتر دچار این گرایش شده

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

است و اطنابهای او بیشتر در حوزه کلمات صورت گرفته است و کمتر به عبارات و جمله ها کشانده شده است.

بعد از تبیین نظریه ی آنتوان برمن و سه مولفه مهمی‌که قرار است بر روی ترجمه مکارم بر مفعول له و بافت متنی آن تطبیق داده شود، به تعریف مفعول له و انواع آن پرداخته و سپس وارد بررسی خطبه ها خواهیم شد.

بررسی خطبه ها

خطبه یک:

۱-فَاَعْطاهُ اللهُ النَّظِرَةَ **اسْتِحْقاقاً** لِلسُّخطه.

ترجمه: خداوند خواسته او را پذیرفت چرا که مستحقّ غضب الهی بود

با توجه به تعریفی که از مفعول له و انواع آن، به نظر می‌رسد (استحقاقا) مفعول له حصولی یا من اجله باشد چرا که ابتدا شرایط غضب و عذاب الهی در او(شیطان) وجود داشته و به همین دلیل خداوند خواسته او را پذیرفته است. با توجه به این مطلب به نظر می‌رسد مکارم شیرازی مفعول له را نادرست ترجمه نکرده است، درواقع عبارت «چراکه» ناظربه درستی ترجمه ایشان و بیان علت است. اگر چه شاید بهتر بود به جای چراکه از (به علت اینکه) یا (به سبب اینکه) استفاده کند.

با توجه به نظریه آنتوان برمن که پیشتر گذشت و با توجه به مولفه منطقی سازی کلام، به نظر می‌رسد که اقای مکارم شیرازی در ترجمه (فاعطاه) به خطا رفته است و از شیوه عقلایی سازی کلام استفاده نموده است. ایشان این کلمه را «پذیرفت» معنا کرده است و کلمه «النظره» را نیز «خواسته» ترجمه کرده است. شاید به نظر ایشان فهم معنای کلام امام با این گونه ترجمه بهتر و روشن تر منتقل می‌شده اما باید در نظر داشت که ما بر اساس نظریه آنتوان برمن باید به متن مبدا وفادار باشیم، و تا جایی که امکان داشته باشد معادل‌هایی را برای کلمات بیابیم که بیشترین نزدیکی و قرابت معنایی را با متن مبدا داشته باشد، به خصوص درمتون دینی مانند قرآن و نهج البلاغه باید بیشترین حساسیت و دقت را در این زمینه بکار ببریم. در این عبارت ترجمه هر دو کلمه دقیق نمی‌باشد و باید از معادلی دقیق‌تر استفاده می‌نمود و اعطا را همان عطاکردن و بخشیدن معنا می‌کرد و (نظره) را مهلت دادن.

ترجمه پیشنهادی:

و خداوند به او مهلت داد (عطاکرد)چرا که مستحق غضب الهی بود.

۲-فاعطاه الله النظرة اسْتِحْقاقاً لِلسُّخْطَةِ وَ **اسْتِتْماماً** لِلْبَلِيَّةِ. . . .

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

ترجمه: خداوند خواسته او را پذیرفت چرا که مستحقّ غضب الهی بود و می خواست امتحان را بر بندگان تمام کند.

(استتماما) عطف به مفعول له است، واز نوع تحصیلی می‌باشد چرا که در حقیقت خداوند به خاطر تحصیل اتمام نعمت نسبت به بندگان، خواسته شیطان را پذیرفت و به او مهلت داد. از آنجا که این کلمه با واو، عطف به ماقبل شده است به نظر میرسد مفعول له درست ترجمه شده است و نیاز به اوردن مجدد (چراکه) یا (به خاطر) نبوده است.

۳- فَاَعْطاهُ اللهُ النَّظِرَةَ اسْتِحْقاقاً لِلسُّخْطَةِ وَ اسْتِتْماماً لِلْبَلِيَّةِ **وانْجازاً** لِلْعِدَةِ فَقال اِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرينَ.

ترجمه: خداوند خواسته او را پذیرفت چرا که مستحقّ غضب الهی بود و می خواست امتحان را بر بندگان تمام کند و وعده ای را که به او داده بود، تحقّق بخشد.

إنجازا، مفعول لاجله یا همان مفعول له تحصیلی است چراکه پذیرش خواسته شیطان به جهت تحقق وعده ی الهی بوده است. این عبارت نیز ازلحاظ ترجمه مفعول له مشکلی ندارد زیرا عطف به ما قبل است و همان واژه (چراکه) که درابتدای جمله آمده است شامل این قسمت نیز می‌شود و تکرارآن در تمامی‌موارد مفعول له که با واو عطف به صورت پی درپی آمده‌اند (حشو یا اطناب سازی می‌شد).

در این عبارت شاید بهتر بود (می‌خواست) را حذف کند و بقیه عبارت را به همان سبک و ترتیب متن اصلی به صورت مصدری ترجمه کند نه به صورت فعلی. طبق نظریه برمن در این قسمت از ترجمه، مترجم شیوه ی عقلایی سازی را پیش گرفته است و ساختار نحوی کلام را برهم زده در حالی که می‌توانست با همان ساختار زبان مبدا، ترجمه را انجام دهد.

ترجمه پیشنهادی:

خداوند به دلیل سزاوار بودن شیطان به خشم الهی، کامل شدن آزمایش، وتحقق وعده ها، به او مهلت داد و فرمود: تاروز رستاخیز مهلت داده شدی.

۴-فَاغْتَرَّهُ عَدُوُّهُ **نَفاسَةً** عَلَيْهِ بِدارِ الْمُقامِ وَ مُرافَقَةِ الابرار

ترجمه: ولی (سرانجام) دشمنش او را فریب داد، چرا که بر او حسادت می‌ورزید و از این که او در سرای پایدار و همنشین با نیکان است سخت ناراحت بود.

نفاسه، مفعول من اجله یا مفعول له حصولی است به این جهت که فعل فریب دادن (اغترار) به جهت حاصل بودن (حسادت یا رقابت) انجام شده است. در این عبارت مترجم با اوردن

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

کلمه چراکه تقریبا معنای علیت را رسانده و مفعول له را به شکل درست ترجمه نموده است. اگرچه بهتر بود از معادل‌های دیگر مثل به علت، به سبب و. . . استفاده کند.

نفاسه، در دید اول ممکن است معنای رقابت و منافسه را به ذهن متبادر کند اما با نگاهی دقیق به کتب لغت می‌توان دریافت که معادل یابی مکارم درمورد این اصطلاح بسیار دقیق بوده است چرا که در کتب لغت (نفاسة علی) به همین معنای حسادت ورزیدن و رشک بردن آمده است. (آذرنوش، ۱۴۰۰: ۱۱۰۴) همچنین، عبارت «سخت ناراحت بود» در این ترجمه اضافه شده و طبق نظریه برمن، حشو و اطناب سازی می‌باشد چراکه معادلی برایش در زبان مبدا نیامده.

ترجمه پیشنهادی:

سرانجام دشمنش او را فریب داد به این علت که به زندگی او در سرای پایدار و همنشینی او با نیکان حسادت ورزید.

۵-اَحْمَدُهُ **اسْتِتْماماً** لِنِعْمَتِهِ

ترجمه:حمد و ستایش می کنم او را برای جلب اتمام نعمتش.

استتماما، مفعول لاجله (تحصیلی) است زیرا برای رسیدن به إتمام نعمت خداوند و تحصیل ان حمد وستایش انجام می‌شود.

در این عبارت مفعول له به درستی ترجمه شده و کلمه (برای) گواه این مطلب است که البته می‌توانست بجای آن از کلمه (بجهت) یا (بخاطر) نیز استفاده کند. شاید بهتر بود مترجم کلمه (جلب) را حذف کند چراکه با آوردن کلمه جلب معنای مفعول له به صورت حصولی ترجمه شده است درحالیکه معنای مورد نظر ما از مفعول له در اینجا تحصیلی است.

۶-اَحْمَدُهُ اسْتِتْماماً لِنِعْمَتِهِ **وَاسْتِسْلاماً** لِعِزَّتِهِ

ترجمه:حمد و ستایش می کنم او را برای جلب اتمام نعمتش واظهار تسلیم در برابر عزّتش.

استسلاما :هم مانند مورد قبل مفعول لاجله (تحصیلی) می‌باشد

از أنجا که "استسلاما" نیز عطف به ماقبل است همان وازه (برای) که ابتدا اورده شد برای این مورد هم کفایت می‌کند و لذا ترجمه مفعول له درست انجام شده است.

در ترجمه این قسمت نیز به آوردن کلمه (اظهار)نیازی نبود و می‌تواند حذف شود و با اضافه کردن (بودن)به (تسلیم)مفعول له به همان شیوه مصدری ترجمه شود.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

ترجمه پیشنهادی:

تسلیم بودن دربرابر بزرگی او.

۷-اَحْمَدُهُ اسْتِتْماماً لِنِعْمَتِهِ وَاسْتسْلاماً لِعِزَّتِهِ **وَاسْتِعْصاماً** مِنْ مَعْصيَتِهِ.

ترجمه: حمد و ستایش می کنم او را برای جلب اتمام نعمتش و اظهار تسلیم در برابر عزّتش و تقاضای حفظ و نگهداری از معصیتش.

استعصاما، مفعول له تحصیلی است. که به موارد پیشین عطف شده است ئ ترجمه آن نیز صحیح است.

در این قسمت نیز تقاضای حفظ و نگهداری را مطرح کرده در حالیکه حمد و ستایش به خاطر نعمت ایمنی از معصیت خداوند صورت گرفته است. پس به نظر می‌رسد اگر کلمه (تقاضا) نیز مانند (جلب)حذف شود ترجمه مطابقت بیشتری با متن مبدا پیدا کرده و به نظریه آنتوان نزدیکتر می‌شود.

ضمن اینکه اقای مکارم شیرازی کلمات عزت و معصیت را به دلیل حفظ هماهنگی با نعمت و رعایت سجع کلام بدون ترجمه گذاشته درحالیکه در کتب لغت معصیت به نافرمانی ترجمه شده است (مقاییس اللغه، احمد بن فارس) البته درست است این واژگان در فارسی هم استفاده می‌شود و از این جهت نقدی به آن وارد نیست.

ترجمه پیشنهادی:

حمد و ستایش می‌کنم خداوند را به جهت (بخاطر) تکمیل نعمت‌های او و تسلیم بودن برابر بزرگی او و ایمن ماندن از نافرمانی او.

۸-وَاَسْتَعينُهُ فاقةً اِلی کِفايَتِهِ

ترجمه: از او یاری می‌جویم چراکه نیازمند به کمک و کفایت او هستم.

فاقه، را می شود تحصیلی گرفت از این جهت که برای تحصیل و رسیدن به کمك و کفایت خداوند از اویاری میجوییم؛ و می توان، حصولی بگیریم از این جهت که بگوییم چون فقر و فاقه در من وجود دارد و حاصل است به همین دلیل از خداوند یاری می‌جویم. در این عبارت مفعول له، به درستی ترجمه شده است و در ترجمه کل عبارت نیز اشکالی به نظر نمی‌رسد و لذا با نظریه مطابقت دارد.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

۹-اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اَرْسَلَهُ بِالدّینِ الْمَشْهُورِ. . . . . وَ الاَمْرِ الصّادِعِ، اِزاحَةً لِلشُّبُهاتِ

ترجمه: نیز گواهی می دهم که محمّد(صلی الله علیه وآله) بنده و فرستاده اوست، او را با دین و آیین آشکار. . . . . و امر و فرمان قاطع و بی پرده، فرستاد تا شبهات را از میان بردارد.

إزاحة، تحصیلی است زیرا ارسال رسول به منظور تحصیل از بین بردن شبهات بوده است. در این قسمت از خطبه و ادامه آن، مترجم مفعول له را درست ترجمه نکرده است ولازم بود بگوید: (بخاطر از بین بردن شبهات) تا معنای علیت را رسانده باشد. اما در ترجمه ترکیب (الامر الصادع) امر و فرمان قاطع و بی پرده دو واژه مترادف آورده که نیازی به آوردن واژه دوم (بی پرده) نبود و از مصادیق حشو و اطناب سازی به شمارمی‌رود.

ترجمه پیشنهادی:

.. و امر و فرمان قاطع بخاطر از بین بردن شبهات فرستاد.

۱۰-اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اَرْسَلَهُ بِالدّینِ الْمَشْهُورِ. . . . . وَ الاَمْرِ الصّادِعِ، اِزاحَةً لِلشُّبُهاتِ، وَ احْتِجاجاً بِالْبَیِّناتِ.

ترجمه: نیز گواهی می دهم که محمّد(صلی الله علیه وآله) بنده و فرستاده اوست; او را با دین و آیین آشکار، . . . . . ، وامر و فرمان قاطع و بی پرده، فرستاد تا شبهات را از میان بردارد و با دلایل و منطق روشن استدلال کند.

احتجاجا، مفعول له تحصیلی است. همان گونه که اشاره شد ترجمه مفعول له درست انجام نشده است و اینکه مترجم در این فقره، کلمه (بینات) را به دلایل و منطق روشن ترجمه نموده است، که به نظر میرسد آوردن کلمه (منطق) زیادی است و از مصادیق حشو و اطناب سازی کلام می‌باشد. «بینات »در بعضی از کتب لغت که مراجعه شد به همان معنای دلایل روشن آمده است.

۱۱-اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اَرْسَلَهُ بِالدّینِ الْمَشْهُورِ وَ الْعَلَمِ الْمَأثُورِ. . . . . ، وَ الاَمْرِ الصّادِعِ، اِزاحَةً لِلشُّبُهاتِ، وَ احْتِجاجاً بِالْبَیِّناتِ، وَ تَحْذیراً بِالآیاتِ

نیز گواهی می دهم که محمّد(صلی الله علیه وآله) بنده و فرستاده اوست، او را با دین و آیین آشکار،. . . . . و امر و فرمان قاطع و بی پرده، فرستاد تا شبهات را از میان بردارد و با دلایل و منطق روشن استدلال کند و به وسیله آیات الهی مردم را از مخالفت خدا برحذر دارد.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

تحذیرا، تحصیلی است و ترجمه مفعوله له نیز عطف به موارد قبل است و چون مورد اول درست ترجمه نشده این مورد نیز ترجمه درست، نشده است.

در این عبارت مترجم دست به شفاف سازی زده و عبارت (مردم را ازمخالفت خدا) را به متن اضافه کرده در جهت شفاف سازی کلام مبدا. که طبق مولفه‌های ترجمه متن محور انتوان برمن از شفاف سازی استفاده کرده درحالیکه نیازی نبود مخالفت از خدا را که درمتن اصلی هم ذکر نشده به ترجمه اضافه کند.

۱۲-اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اَرْسَلَهُ بِالدّینِ الْمَشْهُورِ وَ الْعَلَمِ الْمَأْثُورِ. . . . . ، وَ الاَمْرِ الصّادِعِ، اِزاحَةً لِلشُّبُهاتِ، وَ احْتِجاجاً بِالْبَیِّناتِ، وَ تَحْذیراً بِالآیاتِ وَ تَخْویفاً بِالمَثُلاتِ.

ترجمه: نیز گواهی می دهم که محمّد(صلی الله علیه وآله) بنده و فرستاده اوست; او را با دین و آیین آشکار، . . . . . و امر و فرمان قاطع و بی پرده، فرستاد تا شبهات را از میان بردارد و با دلایل و منطق روشن استدلال کند و به وسیله آیات الهی مردم را از مخالفت خدا برحذر دارد و از کیفرهایی که به دنبال مخالفت، دامنگیرشان می شود بترساند.

تخویفا، تحصیلی است. مفعول له عطف به ماقبل شده و مانند نمونه‌های قبلی، ترجمه نشده است. در این عبارت نیز مانند عبارت قبل شفاف سازی صورت گرفته شده است و توضیح اضافه داده شده است (کیفرهایی که به دنبال مخالفت، دامنگیرشان شده) توضیح اضافه است که در متن مبدا وجود ندارد و مترجم خواسته با این توضیح، مساله را روشنتر و شفاتر کند درحالی که شاید ابهامی‌که در متن اصلی وجود دارد هدفی را به دنبال داشته باشد.

ترجمه پیشنهادی:

به خاطر اینکه شبهات را از میان بردارد و با دلایل روشن استدلال کند و به وسیله آیات الهی مردم را پرهیز دهد و از کیفرهای الهی بترساند.

۱۳-فَمَنْ تَرَکَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللهُ ثَوْبَ الذُّلِّ،.

ترجمه: هر کس آن را از روی بی اعتنایی (نه به خاطر عذر) ترک کند خدا لباس ذلّت و خواری در اندام او می پوشاند.

رغبة، حصولی است و ترجمه مفعول له درست انجام نشده است و بهتر بود به جای از روی بی اعتنایی، بخاطر بی اعتنایی بیاورد. اما طبق نظریه برمن، توضیح داخل پرانتز در این ترجمه مصداق مولفه شفاف سازی می‌باشد و نیازی به آوردن عبارت (نه به خاطر عذر) در ترجمه نبود. درمورد ترجمه (رغبه عنه) هم باید گفت که ایشان بسیار دقیق عمل کرده‌اند، چراکه

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

(رغب) با حرف اضافه (عن) به معنای رویگردانی و اعراض می‌باشد (حیدری، معجم الافعال المتداوله: ۲۷۸)

۱۴-فوالله لو . . . . . وخَرَجْتُمْ إِلَى اللهِ مِنَ الأَمْوَالِ وَالأَوْلاَدِ الْتِمَاسَ الْقُرْبَةِ إِلَيْهِ فِي ارْتِفَاعِ دَرَجَةٍ عِنْدَهُ. . . .

ترجمه: به خدا سوگند! اگر. . . . . ودست از اموال و فرزندان بکشید تا به قرب الهی و مقامات بالای نزد او دست یابید. . . . . .

التماس، مفعول له تحصیلی است. مفعوله له دقیق ترجمه نشده است و بهتر بود به جای تا (بخاطر) ترجمه شود. در این ترجمه آقای مکارم، (التماس) را به دست یافتن معنا کرده درحالیکه در این کلمه معنای اصرار و الحاح و طلب نهفته است و ایشان این معنا را به روشنی بیان نکرده است. جوهری در الصحاح، التماس را به (الطلب مره بعد آخری) ترجمه کرده است. (جوهری، ۱۳۷۶: ۹۷۵) در التحقیق نیز (طلب التماس و الوصول الی المطلوب) معنا شده است.

ترجمه پیشنهادی:

اگر به خاطر طلب دست یابی به قرب الهی و مقامات بالای نزد او، دست از أموال و فرزندان بکشید. . . (سزاوار است)

۱۵-اما قولکم: ا کل ذلک کراهیة الموت؟

ترجمه: اما این که می‌گویید :«تأخیر در جنگ به خاطر ناخشنودی از مرگ است»

کراهیه، حصولی است. در این عبارت مفعول له درست ترجمه شده و کلمه بخاطر بیانگر علیت امر است. اما اقای مکارم عبارت (أکل ذلك) را ترجمه ننموده است لذا از این جهت با مولفه های ترجمه متن محور برمن تعارض دارد، ایشان می‌توانست کل ذلك را ترجمه کند و عبارت تأخیر در جنگ را که در عبارات پیشین آمده است ولی در این عبارت موجود نیست را داخل پرانتز قرار دهد.

ترجمه پیشنهادی:

اما سخن شما :که آیا همه این (تاخیر درجنک)به خاطر ناخوشنودی از مرگ است؟

۱۶-وَدَاعِيَةٍ بِالْوَيْلِ جَزَعاً

ترجمه: (وهمسری دلسوز)گریه و ناله سرداده اند.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

جزعا، مفعول له تحصیلی است. مفعول له درست ترجمه نشده است. در این عبارت «جزع» به «گریه» ترجمه شده است در حالیکه چنین معادلی برای واژه «جزع» صحیح نمی‌باشد، «الجزع »از نظر لغوی به معنای «نقیض الصبر» یا همان بی تابی و بی طاقتی آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۵۳) درحقیقت ایشان نتیجه بی طاقتی را که گریه و ناله بوده است را در ترجمه خود وارد کرده است در حالیکه در متن اصلی چنین واژه‌ای نبود. ضمن اینکه با آوردن عبارت (همسری دلسوز) داخل پرانتز شفاف سازی نیز صورت گرفته است.

۱۷-وَلاَدِمَة لِلصَّدْرِ قَلَقاً؛

ترجمه مکارم:(و مادری دلسوخته که) شدّت ناراحتی به سینه می کوبد،

قلقا، مفعول له حصولی است. مفعول له ترجمه صحیح نشده است، ترجمه مفعول مطلقی شده است، و در حقیقت عقلایی سازی صورت گرفته است چرا که مترجم ساختار نحوی متن اصلی را برهم زده است. ضمن اینکه در این قسمت نیز با آوردن عبارت داخل پرانتز(مادری دلسوخته که) شفاف سازی نیز صورت گرفته است. که در حقیقت دو مولفه از مولفه های تحریف متن آنتوان برمن را درترجمه خود به کار برده است.

ترجمه پیشنهادی:

ناله کننده‌ای به خاطر بی طاقتی و بر سینه کوبنده‌ای به خاطر نگرانی.

۱۸-وَأَنْزَلَ عَلَيْكُمُ «الْكِتَابَ تِبْيَاناً لِكُلِّ شَيْءٍ»

ترجمه: خداوند کتاب (قرآن) را بر شما نازل کرده است، که بیانگر همه چیز است (و تمام اموری که به هدایت و سعادت و نجات انسانها مربوط است در آن بیان شده)

تبیانا، تحصیلی است. در اینجا مفعول له به درستی ترجمه نشده است و بهتر بود به جای«که» از«به این خاطر که» یا «به این جهت که» استفاده کند چراکه مفعول له تحصیلی است و در حقیقت خداوند قرآن را نازل کرده است تا تبیان باشد. آقای مکارم در این قسمت از ترجمه دوباره دست به شفاف سازی زده ودر صدد برآمده تا آن قسمت از کلام حضرت را که برگرفته از آیه قرآن هست را با آوردن توضیح اضافه داخل پرانتز، روشن و تبیین کند درحالی که اگر نیاز بود خود حضرت توضیح بیشتر در مورد (تبیان) را بیان می‌کردند. چه بسا غرض این بوده که خود مخاطب برای دریافتن توضیح بیشتر در مورد تبیان بودن قرآن، به تفاسیر مراجعه کند. و نکته ی دیگر در مورد ترجمه آیه این است که مترجم فعل (أنزل) را به نازل کرده است ترجمه کرده، درحالیکه (نازل کرد) مناسبتر است.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

ترجمه پیشنهادی:

و خداوند کتاب (قرآن) را بر شما نازل کرد به این خاطر که بیانگر همه چیز باشد.

۱۹-مَادُوا كَمَا يَمِيدُ الشَّجَرُ يَوْمَ الرِّيحِ الْعَاصِفِ، خَوْفاً مِنَ الْعِقَابِ

ترجمه: و همچون درختی که در روز طوفانی از شدّت تندباد به خود می لرزد، ازخوف عقاب. . . . می‌لرزیدند.

خوفا:حصولی است. زیرا خوف از عقاب در انها حاصل بوده و به همین دلیل می‌لرزیدند. در این عبارت ترجمه مفعول له با (از) صورت گرفته است که البته در ترجمه مفعول له حصولی آوردن (از) نادرست نیست اما بهتر بود به جای (از)، (بخاطر) یا (بسبب) جایگزین میشد تا معنای سببیت مفعول له را بهتر منتقل می‌نمود. در این ترجمه، عبارت «از شدت تندباد » مصداق حشو و اطناب سازی کلام است چرا که در متن مبدا چنین قیدی آورده نشده است.

۲۰-مَادُواكَمَا يَمِيدُ الشَّجَرُ يَوْمَ الرِّيحِ الْعَاصِفِ، خَوْفاً مِنَ الْعِقَابِ، وَ رَجَاءً لِلثَّوَابِ!

ترجمه: و همچون درختی که در روز طوفانی از شدّت تندباد به خود می لرزد، از خوف عقاب و عشق به ثواب می لرزیدند!

رجاء، مفعول له حصولی است. در مورد ترجمه (رجاء) نیز همان مطالب پیشین صدق می‌کند چون، «رجاء» عطف به خوفا شده است. واژه «رجا ء»صحیح ترجمه نشده است چراکه کلمه «رجاء» در هیچ یک از معاجم به معنای (عشق) نیامده است بلکه به (امید)معنا شده است. کما اینکه ابن فارس در مقاییس اللغه «رجاء» را به «امید» معنا کرده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۸۳)

ترجمه پیشنهادی:

همچون درختی که در روز طوفانی به خود می‌لرزد، بخاطر بیم ازعذاب و امید به ثواب می‌لرزیدند.

نتیجه گیری

از آنچه در این نوشتار گفته شد نتایج زیر به دست می‌آید:

در مقاله حاضر از مجموع ۲۴۱ خطبه نهج البلاغه موارد مفعول له از خطبه یک تا صد جمع آوری شد.از خطبه اول تا صد نهج البلاغه، تعداد ۲۰ مفعول له یافت شد و ترجمه همه این موارد در بافت متنی، براساس نظریه متن محور برمن بررسی شد، در بیشتر این موارد مفعول له به درستی ترجمه نشده بود و همچنین ترجمه بافت متن بر اساس سه مولفه از مولفه های

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

تحریف متن آنتوان برمن یعنی، (عقلایی سازی) (حشو واطناب کلام) و (شفاف سازی)، بررسی شد که در موارد زیادی با مولفه های تحریف متن مطابقت داشت و بر اساس نظر برمن، ترجمه دچارتحریف شده بود.

_با برررسی ۲۰ مفعول له، ۱۴تای آن تحصیلی و ۶تای آن حصولی می‌باشد. اگرچه در بعضی از موارد، مفعول له از جهتی تحصیلی بود و از جهت دیگر حصولی به نظر می‌رسید اما در مجموع میزان مفعول له تحصیلی درموارد بررسی شده بیشتر بود.

_ با تحلیل ۲۰ مفعول له، و مولفه سه گانه مذکور، به ترتیب شفاف سازی با ۶ مورد، حشو و اطناب با ۵ مورد و عقلایی سازی با ۲ مورد، بیشترین بسامد را داشتند لازم به ذکر است که دربرخی ازخطبه ها، چند مورد از این مولفه ها به طور همزمان مطابقت می‌کرد.

_در میان خطبه‌های بررسی شده، ترجمه بعضی از این موارد با مولفه های مورد نظر ما قابل نقد نبود اما معادل یابی درست صورت نگرفته بود و واژگان و عبارات به طورصحیح ترجمه نشده بود و از این رو با نظریه برمن که همگونی کامل متن مقصد را با متن مبدا را انتظار دارد هماهنگ نبود.

_از میان ۲۰ مفعول له بررسی شده، ۹ مورد آن دقیق ترجمه شده بود و ۱۱ مورد آن غیردقیق ترجمه شده بود.

_ در نهایت می‌توان گفت اگر چه ایشان در مواردی نسبت به معادل یابی صحیح عبارات دچار اشکال شده است و یا گاهی با توضیحات اضافه و شفاف سازی ها و برهم زدن ساختار از متن اصلی کمی‌فاصله گرفته است اما در مجموع می‌توان ترجمه ایشان را از جهت انتقال محتوا، ترجمه‌ای وفادار به متن مبدا دانست، ضمن اینکه این ترجمه به گونه‌ای است که خواننده فارسی زبان به راحتی و روانی معانی متن مبدا را در می‌یابد و در مواردی هم که بر اساس نظریه برمن سبب تحریف متن گشته است در جهت روانی و رسایی ترجمه بوده است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

احمدبن فارس، (۱۴۰۴) مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

احمدی، محمد رحیم. (۱۳۹۲). آنتوان برمن و نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه»؛ معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه. نقد زبان و ادبیات خارجی، ۶(۱)، ۱-۱۹.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

ام البنین، خالقیان، (۱۳۹۱) معجم اعراب و الفاظ نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.

جامی، عبدالرحمن بن احمد، (دون تاریخ) شرح ملاجامي على متن الكفاية في النحو، بیروت: دارإحياء التراث العربي.

جوهری، اسماعیل بن حما، (۱۳۷۶) الصحاح، بیروت: دارالعلوم للملایین.

الحرانی، أبی محمد حسن بن علی، (۱۳۷۸) تحف العقول عن آل الرسول، چاپ هفتم، تهران: انتشارات کتابچی.

حیدری، محمد، (۱۳۸۱)، معجم الافعال المتداولة، قم: المرکز العالمی للدراسات الاسلامیة.

خالقیان، ام البنین، (۱۳۹۱)، معجم اعراب و الالفاظ نهج البلاغة، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.

دلشاد شهرام، مسبوق سید مهدی، بخشش مقصود، (۱۳۹۴) نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج‌البلاغه بر اساس نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه» آنتوان برمن. جستارهای قرآنی و حدیثی مدرس، ۲ (۴) :۹۹-۱۲۰.

صفایی، غلامعلی، (۱۳۸۶)، بدایة النحو، قم: مدیریة العامه للحوزة العلمیة.

صفوی، کوروش، (۱۳۷۱)، هفت گفتار درباره ترجمه، چاپ نهم، تهران: نشر مرکز.

طهماسبی، عدنان، جعفری، صدیقه. (۱۳۹۳). جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرایند «معادل‌یابی معنوی» (بررسی موردی رمان السّکریّة). پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۴(۱۰)، ۹۷-۱۱۸.

غازی زاهد، زهیر، (۱۴۲۶)، اعراب نهج البلاغه و بیانه ومعانیه، النجف: التمیمی لنشر.

فرحزاد، فرزانه، (۱۳۸۲)، چارچوب نظری برای نقد ترجمه، مطالعات ترجمه، ۱ (۳).

کریمیان، فرزانه، اصلانی، منصوره، (۱۳۹۰) نقش وفاداری به یک نویسنده درترجمه (بررسی مقابله‌ای ترجمه های قاسم روبین از آثار مارگریت دوراس)، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، ۴۴ (۳) .

ماندی، جرمی، (۱۳۸۹)، درآمدی برمطالعات ترجمه الهه ستوده و فریده حق بین، تهران: نشرعلم.

مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰) التحقیق في کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیة.

مهدی پرور، فاطمه، (۱۳۸۹) نظری بر روند پیدایش نظریه های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن، کتاب ماه و ادبیات، شماره ۴۱.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

نصری محمد، حیدرنصرت زاده و شهرام مدرس، (۱۴۰۲) تحلیل راهبردهای معادل یابی درترجمه های متون بانکی با استفاده از رویکرد زبان شناختی معنا شناسی ساختارگرا، زبان و ادبیات فارسی، ۵۴ (۱۵)، ۲۵۱ – ۲۸۰.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]

REFERENCES

-Holy Quran

-Nahj al-Balagha

Ahmad bin Faris, (1983) *Al-Maqayis al-Laghga*, Qom: School of Islamic Studies [In Arabic].

Ahmadi, M,. (2013) An introduction to the Deconstructive Trends of Antoine Berman, *Critical Language and Literary studies*, 6(1), 1-19.

Al-Harani, A., (1999) *Tuhf al-Aqool on Aal al-Rasoul*, 7th edition, Tehran: Katabchi Publications. [In Arabic]

Farahzad, F., (2012), Theoretical Framework for Translation Criticism, *Translation Studies*, 1 (3).

Ghazi Zahid, Z., (2005), *Arabs of Nahj al-Balagha and Bayaneh and Meaning*, Al-Najaf: Al-Tamimi Publications. [In Arabic]

Heydari, M., (2002), *Ma'jam al-Aafal al-Mutadawelah*, Qom: Al-Marqas al-Alami for Islamic Studies. [In Arabic]

Jami, A., (Not Date) *Muljami's description of text al-Kefayat al-Nahw*, Beirut: Dar Ehya al-Tarath al-Arabi. [In Arabic]

Johari, I., (1997) *Al-Sahah*, Beirut: Darul Uloom Al-Mulayin. [In Arabic]

Karimian, F., Aslani, M., (2013) The role of loyalty to an author in translation (a comparative review of Qasim Rubin's translations of Marguerite Duras's works), *Language and Translation Studies Quarterly*, 44.(۳)

Khalekian, U., (2011), *The Arabic Dictionary of Nahj al-Balagha*, Tehran: Nahj al-Balagha Foundation Publications. [In Arabic]

Mandi, J., (2010), *An introduction to the translation studies of Elahe Sotoudeh and Faridah Haqbin*, Tehran: Elam Publications. [In Persian]

Mehdi Paror, F., (2008) A comment on the emergence of translation theories and the examination of the text distortion system according to Antoine Berman, *Book of the Month and Literature*, No. 41.

Mustafavi, H., (2008) *Researching the Words of the Holy Qur'an*, Beirut: Dar Al-Katb Al-Alamiya. [In Arabic]

Nasri Mohammad, H., Modares, S., (2023) Analysis of equivalence strategies in translations of banking texts using the linguistic approach of structuralist semantics, *Persian language and literature*, 54 (15), 251-280.

Safai, G., (2007), *The Beginning of Grammar*, Qom: General Directorate of Al-Hawza Al-Alamiya. [In Arabic]

Safavi, K., (1992), *Seven Speeches About Translation*, 9th edition, Tehran: Markaz Publications. [In Persian]

Shahram D., Masboug, S., Bakshesh, M., (2016) A critical evaluation of Nahj al-Balagha translation by Shahidi based on Antoine Berman's "deforming tendencies", *QHTS*, 2 (4), 99-120.

Tahmasbi, A., Jafari, S. (2014). Researching in translation from Arabic into Persian relying on the process of "moral equivalence'' (case study of the novel Al-Sukariya), *Translation Researches in the Arabic Language And Literature*, 4(10), 97-118.

Umm al-Binin, K., (2012) *Dictionary of Arabs and the Words of Nahj al-Balagha*, 1th edition, Tehran: Nahj al-Balagha Foundation Publications. [In Persian]

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-10-30]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.3.5.7]